

Raising Historical Awareness, One of the Methods of Musavat Newspaper in Dealing with Tyranny

Shamsedin Amraei¹, Reza Moeini Roubali², Abdollah Sajedi³

Abstract

The constitutional revolution and awareness raising in Iranian society focused attention on the knowledge of history to raise awareness. Contrary to the common practice of Iranian historiography, which was mostly in the service of government and political power, and wrote about political events and armies, the new historians wrote for the “people” and wanted the awakening and awareness of the Iranian nation; similar to the revolution, which was supported by history and the identity that was realized by combining texts and historical events, in the field of journalism with newspapers such as Musavat, managed by Mohammad Reza Musavat Shirazi, who was a staunch opponent of tyranny and colonialism, inspired by the knowledge of history and new historiography and with narration and analysis of historical stories of Iran and the world emphasized the full realization of the constitution

1. Assistant Professor of History Department of Payame Noor University, Tehran, Iran.
shamsedinamraei@pnu.ac.ir

2. Assistant Professor, Department of Theology and Islamic Studies, Farhangian University, Tehran, Iran. (Corresponding author). r.moeeni@cfu.ac.ir

3. Assistant Professor of History Department of Payame Noor University, Tehran, Iran.
a_sajedi@pnu.ac.ir

Received: Aug 11, 2024 - Accepted: Nov 2, 2024



This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose

and the fight against tyranny. This article, based on the contents and articles of “Musavat Newspaper” and other sources, with the method of content analysis, tries to explain the dominant historical discourse of this newspaper in one of the most crucial periods of Iran's history (constitutional era) in confronting tyranny. This article is trying to find the answer to the question, how did the Musavat newspaper use the knowledge of history in the fight against tyranny, and what was the position and role of historical awareness in this way? The findings indicate that this newspaper, by presenting historical anecdotes from the history of Iran and the world and detailed analysis, emphasized the use of historical knowledge and awareness as one of the inevitable requirements for the realization of constitutionalism in order to prevent the return of tyranny and colonialism. And in this way, it undertook a great mission. Learning lessons from history by taking lessons from the important personalities and events of Iran and the world of that day, paying attention to the historical conflict between justice and injustice and the victory of justice, Iran's historical role in overcoming crises and finally using science and knowledge, which is an important step in the fight against the spread of tyranny and colonialism, was one of the focal issues of Musavat in the stabilization of the constitution and curbing tyranny.

Keywords: Constitutional Revolution, Tyranny, Raising Historical Awareness, Knowledge of History, Musavat Newspaper.

مطالعات تاریخ فرهنگی؛ پژوهش‌نامه‌ی انجمن ایرانی تاریخ
فصلنامه علمی (مقاله پژوهشی)، سال شانزدهم، شماره‌ی پنجاه و نهم، بهار ۱۴۰۳، صص ۳۲-۱

آگاهی بخشی تاریخی یکی از روش‌های روزنامه‌ مساوات در برخورد با استبداد

شمس‌الدین امرایی^۱، رضا معینی رودبالی^۲، عبدالله ساجدی^۳

چکیده

انقلاب مشروطه و آگاهی‌بخشی در جامعه ایران، توجه به دانش تاریخ برای اعتلای آگاهی را در کانون توجه قرار داد. برخلاف رسم رایج تاریخ‌نگاری ایرانی که بیشتر در خدمت حاکمیت و قدرت سیاسی بود و وقایع سیاسی و لشکر را قلم می‌زد، تاریخ‌نگاران نو برای «مردم» نوشتند و بیداری و آگاهی ملت ایران را خواهان بودند؛ چنانکه در این انقلاب که با پشتوانه تاریخ و هویتی که از به‌هم‌پیوستن متون و رویدادهای تاریخی ساخته شده بود، عرصه روزنامه‌نگاری با روزنامه‌هایی چون مساوات به مدیریت محمدرضا مساوات شیرازی که از مخالفان سرسخت استبداد و استعمار بود، با الهام از دانش تاریخ و تاریخ‌نگاری جدید و با نقل و تحلیل حکایات تاریخی ایران و جهان، بر تحقق کامل مشروطه و مبارزه با استبداد تأکید داشت. این مقاله با تکیه بر مندرجات و مقالات «روزنامه مساوات» و منابع دیگر، با روش تحلیل محتوا سعی دارد گفتمان تاریخی حاکم بر این روزنامه را در یکی از حساس‌ترین برهه‌های تاریخ ایران (عصر مشروطه) در مقابله با استبداد تبیین کند و درصدد یافتن پاسخ این سؤال

۱. استادیار گروه تاریخ دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. shamsedinamraei@pnu.ac.ir

۲. استادیار گروه آموزش الهیات و معارف اسلامی دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران (نویسنده مسئول). r.moeeni@cfu.ac.ir

۳. استادیار گروه تاریخ دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. a_sajedi@pnu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۲۱ - تاریخ تأیید: ۱۴۰۳/۰۸/۱۲



This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose

است که روزنامه مساوات چگونه از دانش تاریخ در مبارزه با استبداد بهره می‌گرفت و جایگاه و نقش آگاهی‌بخشی تاریخی در این راه چه بود؟ یافته‌ها حکایت از آن دارد که این روزنامه با ارائه حکایات تاریخی از تاریخ ایران و جهان و تحلیل‌های دقیق، بر استفاده از دانش و آگاهی‌بخشی تاریخی به‌مثابه یکی از الزامات اجتناب‌ناپذیر تحقق مشروطیت در جهت عدم بازگشت استبداد و استعمار تأکید وافر داشت و در این راه، رسالت بزرگی برعهده گرفت. عبرت‌آموزی از تاریخ با عبرت‌گیری از شخصیت‌ها و رخداد‌های مهم ایران و جهان آن روز، توجه به جدال تاریخی عدل و ظلم و پیروزی عدل، نقش تاریخی ایران در عبور از بحران‌ها و سرانجام بهره‌گیری از علم و دانش که گامی مهم در مبارزه با اشاعه استبداد و استعمار است، از موضوعات کانونی مساوات در تثبیت مشروطه و مهار استبداد بود.

واژه‌های کلیدی: انقلاب مشروطه، استبداد، آگاهی‌بخشی تاریخی، دانش تاریخ، روزنامه مساوات.

۱. مقدمه

تاریخ بر خلاف سایر علوم اجتماعی، انسان و جامعه را در مراحل مختلف تکامل بررسی می‌کند و توجه اصلی خود را به تحقیق درباره تغییراتی که در مراحل گوناگون حیات جامعه روی می‌دهد، معطوف می‌دارد؛ یعنی مراحل تحول، پیشرفت‌ها و دگرگونی‌ها. پس برای مطالعه در ابعاد تخصصی‌تر تاریخ انسان و جامعه، آشنایی با حوزه‌های مختلف و نیز منابع متنوع آگاهی‌بخش ضروری است. حیات اجتماعی در هر عصری یک کلیت پیچیده و به هم پیوسته است که وجوه مختلف ساختاری آن، هم‌زمان و در ارتباط متقابل با دیگر وجوه معنا پیدا می‌کند، درک این معنا، نیازمند نگاهی فراگیر به تمام اسناد و مدارک و منابع مختلف و متنوع است.

تاریخ به مانند سایر علوم، جریانی عقلانی است و همانند علوم محتاج تخیل، ابداع و بی‌غرضی بوده و نیازمند مشاهده و تدقیق در عالی‌ترین حدی است که از یک محقق

| آگاهی‌بخشی تاریخی یکی از روش‌های روزنامه‌ مساوات | ۵

ساخته است. کار مورخ از این لحاظ اهمیت دارد که مورخ از طریق واپس‌نگری، درباره‌ گذشته نوعاً بیش از مردمانی که در آن می‌زیسته‌اند، اطلاعات دارد. مورخ با ترجمه‌ گذشته در قالب اصطلاحات مدرن و استفاده از شناختی که شاید سابق بر این موجود نبود، هم موضوعات فراموش‌شده مربوط به گذشته را کشف می‌کند و هم موضوعاتی را که قبلاً هیچ‌گاه در کنار هم نبودند را با یکدیگر آشتی می‌دهد؛ بنابراین، هدف تاریخ، هم معرفت به افراد انسان و هم آگاهی به روابط اجتماعی او در تمام حوزه‌ها در گذشته است (هرولد پلام، ۱۳۸۶: ۱۱۷). مطبوعات نیز به‌مثابه منبع تاریخی آگاهی‌بخش، در تأثیرگذاری بر افکار عمومی، در تمام جوامع بشری نقش مهمی را برعهده داشته‌اند؛ به تناسب شرایط و ویژگی‌ها، مطبوعات می‌توانند تصاویری از زمان خود ارائه کنند که به واقعیت نزدیک بوده و گاه نزدیک‌ترین تصویر ممکن به حقایق گذشته است؛ به همین جهت، گاه آن‌ها را رکن چهارم دموکراسی می‌دانند.

اگرچه سابقه مطبوعات در ایران به اواسط قرن نوزدهم میلادی برمی‌گردد؛ اما ایرانیان بیشتر در جریان انقلاب مشروطیت با نقش مطبوعات آشنا شدند. این نقش با کارکرد آن‌ها در جوامع غربی متفاوت بود (رسول اف و دیگران، ۱۴۰۱: ۲۷). «ترقی معکوس»، «انحطاط»، «بیهوشی»، «خواب غفلت» و «بیماری مادر وطن» از جمله مفاهیمی بودند که در سده ۱۳ق/۱۹م برای تشریح موقعیت ایران در مقایسه با فرنگ به‌کار می‌رفت. در مقایسه با اروپا بود که تاریخ‌نویسان، ایران را بیمار و از قافله تمدن عقب‌افتاده یافتند و در پی رسیدن به فرنگیان برآمدند. پیروزی جنبش مشروطه با مشارکت «ملت» در سیاست کشور و کاربردی نو از تاریخ برای برانگیختن «ملت»، «بیداری» و «درمان» ایرانی، یعنی ساختن ایرانی توانمند در آینده، خود بابتی مهم از تاریخ تجدد در ایران است (توکلی طرقي، ۱۳۹۵: ۶۵ و ۶۷). با آغاز مشروطه، نسیم آزادی بر تمام جنبه‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ایرانیان وزیدن گرفت. انتشار مطبوعات دیگر با محدودیت‌های گذشته روبه‌رو نبود و نویسندگان و روشنفکران توانستند پیام‌های آگاهی‌بخش خود را به گوش توده مردم برسانند. رسالت بنیادین مطبوعات رساندن پیام آزادی و عدالت بود تا همگان به حقوق شهروندی خویش در

جامعه ایران عصر قاجار آگاهی یابند. روزنامه‌ها در این دوره همراه با سایر نهادهای اجتماعی، تحولی شگرف یافتند و به نقش اساسی توده مردم در آفرینش رویدادهای تاریخی مهر تأیید زدند (محمدی و قدیمی قیداری، ۱۳۹۷: ۱۲۹).

علاوه بر روزنامه‌ها، کنشگران عصر قاجار چون آخوندزاده در اهمیت دانش تاریخ و خودآگاهی تاریخی سخن راند و این دانش را محملی برای نقد و آزادی انتقاد دانسته و در واقع عامل رشد غربی‌ها را کریتیکا (نقد و انتقاد) برشمرد، که به زعم او بیش از هر چیز و هر جا در همین روزنامه‌نگاری غربی‌ها تجلی پیدا کرده است (رحمانیان، ۱۳۸۶: ۱۰-۱۱). سیدجمال‌الدین اسدآبادی نیز تاریخ را نوعی طبابت می‌دانست و بر این باور بود که تنها از راه تاریخ‌دانی و تاریخ‌شناسی است که می‌توان ترقی و انحطاط اقوام و جوامع را علت‌شناسی و ریشه‌یابی کرد و در درمان دردها و بیماری‌های آن‌ها کوشید. در مقاله «فوائد جریده» اشارات قابل توجهی به ضرورت و فایده تاریخ‌شناسی وجود دارد و از دیدگاه او وظیفه مطبوعات و جراید افزایش آگاهی تاریخی و تلاش در علت‌شناسی درست و دقیق از انحطاط و ترقی است (رحمانیان، ۱۳۸۵: ۸۹).

تحولات تاریخی در شکل‌دادن به احساس تعلق و وابستگی به یک مجموعه هویتی کاملاً تأثیرگذار است. به همین دلیل است که بر این باور می‌شود تأکید داشت که تاریخ قطعی نمی‌تواند وجود داشته باشد، اما هر نوع اجماع (موقت) تنها زمانی قابل تحقق است که صداهای غالب بتوانند سایر صداها را خاموش کنند (جنکینز، ۱۳۸۶: ۹۲). شکست‌ها، پیروزی‌ها، شیرینی‌ها و تلخی‌های تاریخ یک ملت همواره از سوی افراد با احساس قرین دل‌بستگی است و در شکل‌دادن به انگاره‌های جمعی مؤثر است. بعد تاریخی هویت ملی عبارت است از: آگاهی مشترک افراد یک جامعه از گذشته تاریخی و احساس دل‌بستگی به آن. این احساس، نسل‌های مختلف یک ملت را به هم پیوند می‌دهد (شجری، ۱۳۹۲: ۹۵). در میان روزنامه‌های عصر مشروطه، مساوات از جایگاه مهم‌تری برخوردار بود. داشتن نثر ساده و روان، تأثیرگذاری بر اذهان عمومی و تحریک مردم برای مقابله با استبداد با بازنگری در مفاهیم و اصطلاحات سیاسی عصر مدرن، از جمله ویژگی‌های بارز آن بود. هدف این پژوهش روشن‌کردن نوع نگاه روزنامه

آگاهی‌بخشی تاریخی یکی از روش‌های روزنامه‌ مساوات | ۷

مساوات است که در قالب برداشت آن از دانش تاریخ تجلی پیدا می‌کند. این مقاله با استفاده از رویکرد تحلیل محتوا می‌کوشد، به یافته‌های مطرح‌شده دست پیدا کند و از این‌رو این نکته را مطرح می‌کند که اندیشه‌ سیاسی مساوات به نکته‌ گم‌شده‌ای در آن دوره اشاره دارد که به نوعی داوری جدید تمرکز داشته که با آگاهی‌بخشی تاریخی و با هدف بازاندیشی در مفاهیم و اصطلاحات سیاسی در تحریک و تهییج مردم برای مشارکت در فرایند براندازی حکومت قاجار و دفع استبداد در تاریخ این سرزمین نقش دارد.

بنابراین در این پژوهش، مسئله نوع و نگاه روزنامه‌ مساوات به دانش تاریخ و داوری این روزنامه در این زمینه است. اگر آگاهی‌بخشی تاریخی را نوعی اهتمام فکری برای ارزیابی نوعی سیاست در مبارزه با استبداد و برقراری ساختار سیاسی عادلانه در نظر بگیریم، تصویری که محمدرضا مساوات در روزنامه‌ مساوات، از دانش تاریخ و مبانی برگرفته از آن به دست می‌دهد، بیان‌کننده‌ روش مطلوبی است که می‌تواند الگوی فکری تأثیرگذار در مورد مشروطه باشد؛ از این‌رو برای او ترقی ملی از طریق آگاهی‌بخشی تاریخی به‌مثابه یکی از دستاوردهای اساسی دانش تاریخ، با نوعی نگاه و داوری متفاوت رقم می‌خورد که همان رعایت حقوق عامه است؛ بنابراین داوری و نگرش سید محمدرضا مساوات در مورد دانش تاریخ بر مسئله‌ توانمندسازی جامعه با بهره‌گیری مؤثر از این دانش است.

پرسش اصلی این نوشتار این است که در بچوچه‌ مشروطه، سید محمدرضا مساوات شیرازی که یکی از کنشگران تأثیرگذار بر مردم بوده است، چگونه میان دانش تاریخ و مبانی برگرفته از آن در برقراری حکومت قانون، توانمندسازی انسان و ترقی ملی ارتباط برقرار کرده است؟ می‌توان در پاسخ گفت که او با اتکاء به تاریخ‌نگاری مدرن و نقش کارکردی آن در جایگاه یک منبع مهم آگاهی‌بخشی، بازاندیشی مفاهیمی چون مساوات، برابری، عدالت، امنیت، شورش، انقلاب، ملت و...، به نوعی داوری سیاسی و تاریخی متفاوت در مورد مشروطه‌خواهی مبتنی بر توسعه انسان و قابلیت‌های او می‌رسد و در این زمینه بر دیگر مبارزان هم‌عصر خود در اواخر دوره قاجار و اوایل دوره پهلوی تأثیرگذار بوده است.

نظر به اهمیت و تازگی موضوع، این جستار در نظر دارد، ویژگی‌های دانش تاریخ و کارکردهای مؤثر آن را از دیدگاه روزنامه‌ مساوات در جهت ایجاد جامعه‌ای مبتنی بر حاکمیت قانون و آزادی و برابری مورد بررسی قرار دهد.

درباره‌ روزنامه‌ مساوات و موضوعات متأثر از آن تاکنون تحقیقات مستقلی چند نوشته شده است. رضا معینی رودبالی (۱۳۹۸ش) در مقاله «تأملی بر فعالیت‌های محمدرضا مساوات در مشروطه و بازتاب قرارداد ۱۹۰۷م در روزنامه‌ مساوات»، ضمن نقش مساوات در تحولات مشروطه، به مواضع وی در مقابل قرارداد ۱۹۰۷م پرداخته است؛ همچنین وی در مقاله دیگری با عنوان «انقلاب مشروطه و فسادستیزی روزنامه‌ مساوات» (۱۴۰۱ش)، به نگرش روزنامه نسبت به مبارزه با فساد اداری قاجارها بعد از مشروطیت اهتمام داشته است.

این پژوهش‌ها به ابعاد مختلفی از رویکرد روزنامه‌های مشروطه با توجه به محتوای آن اشاره می‌کنند و کمتر به مواضع روزنامه‌ مساوات در مورد موضوع مقاله حاضر ورود کرده‌اند؛ بنابراین، نویسندگان مقاله برای نخستین بار به بازتاب مواضع این روزنامه نسبت به دانش تاریخ و نقش و کارکرد آن در توجه و اهمیت به آگاهی بخشی تاریخی در مبارزه با استبداد و استعمار می‌پردازند.

۲. مساوات و روحیه مبارزه طلبی

از جمله افرادی که نقش مهمی در مشروطه داشت، محمدرضا شیرازی معروف به مساوات بود. او که به دلیل روزنامه‌اش به این نام معروف شد، در اصل برازجانی بود و در اوایل عمر نزد نصرالله خان دبیرالملک، پسر حاجی محمدحسین خان جبه‌داریاشی شیرازی، ساکن تهران، امرار معاش و در نزد ابوالحسن جلوه، حکیم معروف، تحصیل می‌کرد. مساوات در سال ۱۳۲۱ق/ ۱۲۸۱ش به مجمع آزادمردان در تهران پیوست و با تأسیس انجمن ملی در محرم ۱۳۲۲ق به رهبری ملک‌المتلک‌مین، به عضویت آن درآمد. مساوات در کمیته‌ی نه نفره انجمن ملی که در سال ۱۳۲۲ق تشکیل شد، عضویت داشت (بهار، ۱۳۵۷: ۲/۷-۲؛ ملکزاده، ۱۳۶۳: ۲/ ۲۳۸-۲۴۴؛ ناظم‌الاسلام کرمانی، ۱۳۷۶: ۴۱۵/۱؛ پروین، ۱۳۷۷: ۵۲۶؛ محیط طباطبایی، ۱۳۷۵: ۱۳۷). حتی آورده‌اند که مساوات با اعضای لژ بیداری ایران در ارتباط بود. توضیح اینکه گرچه نام میرزا

آگاهی بخشی تاریخی یکی از روش های روزنامه مساوات | ۹

محمدرضا مساوات در فهرست حکیم الملک، از اعضای لژ بیداری ایران به چشم نمی خورد، اما در میان اسناد این لژ، پرونده ای به نام «میرزا محمدرضای وکیل» وجود دارد که در ۱۹ صفر ۱۳۲۸ ق درخواست عضویت در لژ کرده بود، که بعد از بررسی، اعضای لژ با حضور او موافقت نکردند. شاید ویژگی های شخصیتی وی که کم حوصلگی و تندخویی بود، مانع از ورودش به لژ شد. در هر صورت مساوات نتوانست به عضویت لژ بیداری ایران دربیاید. بعد از اعلام مشروطیت و تشکیل مجلس اول، در حمایت از تشکیل بانک ملی و ایجاد تحرک در بین مردم، همچنین با به توب بستن مجلس شورای ملی و آغاز استبداد صغیر و در جهت اعاده مشروطه، به همراه مدیران روزنامه هایی چون حبل المتین، صوراسرافیل، ندای وطن و... با نوشتن مقالات تند و آتشین، با استبداد محمدعلی شاه مبارزه کرد (کسروی، ۱۳۳۳: ۵۷۲/۲ و ۵۷۳؛ کهن، ۱۳۶۰: ۱/ ۲۴-۲۳ و ۷۵-۷۸؛ تفرشی حسینی، ۱۳۵۱: ۱۰۴). در مجلس دوم وی عضو دمکرات ها بود و زمانی که مجلس دوم با التیماتوم روسیه تعطیل شد و بسیاری از سیاسیون به مرکز ایران گریختند، مساوات نیز جزو آنها بود. او در مجلس سوم عضو دمکرات ها به رهبری سلیمان میرزا اسکندری بود. مجلس سوم به دلیل ترس از اشغال تهران از اکثریت افتاد و در تاریخ ۶ محرم ۱۳۳۴ ق تعطیل شد. بلافاصله بعد از آغاز جنگ اول جهانی، دمکرات ها و اعتدالیون کمیته مقاومت ملی را بر پا کردند. کمیته نخست در قم تشکیل شد، اما با اشغال قم توسط روس ها به کرمانشاه رفتند و در صفر ۱۳۳۴ ق/ ۱۲۹۴ ش دولت موقت با ریاست نظام السلطنه مافی در کرمانشاه تأسیس شد (شیبانی، ۱۳۷۸: ۷۰۸ و ۷۰۹). بعد از اینکه سرپرسی سایکس پلیس جنوب را برای حفظ منابع انگلیس در جنوب تشکیل داد و با حمایت همین گروه دولت موقت از بین رفت و برخی از اعضا مجبور به ترک ایران شدند مساوات در ایران ماند و بعد از پایان دوران فترت با افتتاح مجلس چهارم با سمت نماینده مردم تهران وارد مجلس شد (صفایی، ۱۳۶۳: ۴۸۴). مساوات در سال های پایانی عمر نماینده مردم ساوجبلاغ در مجلس پنجم بود. او در ۱۳۰۶ ش درگذشت (عاقلی، ۱۳۸۰: ۱۴۱۱/۳).

لازم به توضیح است که روزنامه مساوات روزنامه ای تندرو و انقلابی در عصر مشروطه بود که در تاریخ یکشنبه پنج رمضان سال ۱۳۲۵ ق به سردبیری سید محمدرضا مساوات و همکاری عبدالرحیم خلخالی در تهران منتشر شد. آخرین شماره روزنامه نیز در تاریخ یکشنبه سلخ ربیع الثانی ۱۳۲۶ ق انتشار یافته است و در مجموع ۲۵ شماره منتشر شد (رابینو، ۱۳۸۰: ۲۳۴).

سید محمدرضا مساوات در مقام یک روزنامه‌نگار با نگارش مقالات تند خود همواره حاکمیت و در رأس آن محمدعلی‌شاه قاجار را مورد حملات تند قرار می‌داد. مقاله‌ای از این روزنامه با عنوان «شاه در چه حال است؟» و پرخاش صریح او به محمدعلی‌شاه باعث توقیف روزنامه و تعقیب ناشر آن شد. انتشار این مقاله باعث شد محمدعلی‌شاه، به عدلیه شکایت کند و دادگاه سید محمدرضا شیرازی، مدیرمسئول روزنامه را احضار کرد، اما وقتی خبر محاکمه در تهران پیچید، انجمن‌ها به مبارزه برخاستند و مدعی شدند این محاکمه نشان می‌دهد که حادثه‌ای در شرف وقوع است و شاه درصدد کودتا علیه مشروطه است. مطبوعات به نیت شاه ابراز بدگمانی کردند و غوغایی در تهران بر پا شد. به همین دلیل، عضدالملک رئیس ایل قاجار، برای کاهش تنش پیش‌آمده از محمدعلی‌شاه خواست که از شکایت خود صرف‌نظر کند (روزنامه مساوات، ۲۴ ربیع‌الاول ۱۳۲۶ ق/۲۶ آوریل ۱۹۰۸ م، ۴-۱).

سیدمحمدرضا مساوات در مثنی مبارزاتی خود و رویارویی با محمدعلی‌شاه به این هم بسنده نکرد و کار را به جاهای باریک‌تری کشاند. پس از آنکه با وساطت، دادگاه مساوات و شاه برگزار نشد، مساوات به انتقاد و مبارزه با حکومت ادامه داد. با به توپ بستن مجلس شورای ملی، محمدعلی‌شاه روزنامه‌ها را تعطیل کرد. مساوات، مدیر روزنامه، به همراه سید عبدالرحیم خلخالی پس از فرار از ایران مدتی ناپدید شدند و به قفقاز رفتند تا اینکه پس از آرام‌تر شدن اوضاع و احوال مملکت به ایران بازگشتند و بار دیگر روزنامه خود را در تبریز دایر کردند که هفتگی منتشر می‌شد (رابینو، همان: ۲۰۸).

۳. محمدرضا مساوات و درک او از تاریخ با تأکید بر «آگاهی‌بخشی تاریخی و

کارکردهای مؤثر تاریخ در روزنامه مساوات»

۳-۱. بازآفرینی و درس‌آموزی

تاریخ با آنچه در احوال نام‌آوران گذشته نقل می‌کند، نه تنها تجربه‌های زنده را برای مسائل زندگی در دسترس می‌گذارد، بلکه دایره آشنایی‌ها و آشنایان را نیز وسیع‌تر می‌کند؛ با کسانی که قدرت و ضعف آن‌ها، حتی اگر مورخ عادلانه و درست توصیف نکرده باشد، قابل تصور و حتی درخور تصدیق است، روبه‌رو می‌کند و از قدرت و ضعف آن‌ها نمونه‌هایی ارائه می‌کند که انسان می‌تواند از بررسی آن‌ها آنچه را باید و

آنچه را نباید، آسان تر درک کند (زرین کوب، ۱۳۷۵: ۱۲). مطالعه تاریخ موجب آشنایی با میراث گذشتگان و بهره‌وری از آن شده و علل رشد و انحطاط ملت‌ها را می‌شناساند. تأثیرپذیری از افراد مشهور تاریخی که با بلندپروازی و همت بالا خود را در تاریخ ماندگار کردند، یکی از ابعاد توجه مساوات به دانش تاریخ بود. در مقاله مفصلی با عنوان «خیال ایجاد آدم می‌کند»، با مقایسه تطبیقی افرادی چون نادرشاه افشار - که در اعاده تمامیت ارضی ایران تلاش کرد - با محمدعلی شاه قاجار، به نوعی این نکته را گوشزد کرد که اگر محمدعلی شاه که سفاکی و استبداد را پیشه خود ساخته است، افرادی چون نادر را الگو قرار دهد به پیشرفت کشور کمک می‌کند. در ابتدای مقاله ضمن توجه به اهمیت قوه خیال و تفکر در انسان از آن به عزم و همت تعبیر می‌کند (مساوات، ۱۲ صفر ۱۳۲۶ق، شماره ۱۷، ۱)؛ بنابراین از دیدگاه مساوات انسان و آدمی زمانی می‌تواند خود را «در عداد مردان نامی دنیا» به شمار آرد که خیالات [اندیشه‌های بزرگ] را در سر جای داده و آن را به کار ببندد و مایه نیک‌نامی خود سازد و زمانی که «افکار خفیفه و اوهام نازله را در کله خود جای داد، جز خفت و رذالت نتیجه‌ای نبرده و سواى آن که از مقام ارجمند آدمی در پست‌ترین درکات حیوانی جای گزیند، ثمری به دست نیارد» (همان، همانجا).

مساوات با ارائه سرگذشت تاریخی نادر در رسیدن به شاهی که از طریق راهزنی گذر زندگی می‌کرد و سرانجام تحت تأثیر مشورت‌های دایی خود، جوادخان، از آن فاصله گرفت و به نوعی تلنگری بر او بود، مشهور و نامی شدن را از روش نیکی کردن و نه از راه زشتی بایسته می‌داند:

«نادر، ای زاده خواهرم و ای نوباوه وطن؛ واپسین اندرزم به تو این است که از این پیشه زشت [راهزنی] دست بکش، اندیشه و زورت را در راه ملت و بوم خویش به کار بر و زمین‌هایی که از پدر و نیاهای ما باز مانده از دست دشمن رها کرده و بگیر» (همان، ص ۲).

با این سخنان نادر به وجد آمده و به نظر مساوات «خیال بزرگ ایران مداری را در مغز نادر تولید نمود و پس روشن شد که خیال [فکر] ایجاد آدم می‌کند» (همان، همانجا).

مساوات با اظهار تأسف نسبت به محمدعلی‌شاه که در این برهه با سخت‌گیری بر مشروطه‌خواهان عرصه را بر آنان تنگ کرده، بر این باور بود که اگر او نیز مشاوری دلسوز چون دایی نادر داشت: «خیالات بزرگ که درخور مقام شاهان است، در مغز وی نقش می‌گرفت و مقاصد عالیه جهانبانی را پیشنهاد خاطر می‌ساخت و نادر وقت و پطرکبیر عصر می‌شد» (همان، همانجا).

مساوات علاوه بر نادر افراد دیگر تاریخ جهان چون «میکادوی ژاپنی» و «ناپلئون بناپارت» را نیز نام می‌برد که با اندیشه و همت بلند توانستند نام خود را در تاریخ مطرح کنند. از دید مساوات، محمدعلی‌شاه با مشورت با افراد خیره و دلسوز وطن و دوری از کسانی که «شایسته جاروب کشی هم نیستند» می‌توانست تهران را به «پاریس آسیا» و ایران را به «عروس ممالک دنیا» تبدیل کند. دارابودن فکر و همت بلند و همراهی و همکاری با افراد عالم و دانشمند نیز به زعم مساوات همان ترقی و آبادانی مملکت را به همراه خواهد داشت و فقدان آن نیز دوری از «قافله تمدن» خواهد بود (همان، همانجا).

مساوات که در مبارزه با محمدعلی‌شاه بی‌پروا قلم می‌زد و این موضوع غیظ و شکایات محمدعلی‌شاه از روزنامه را به همراه داشت، در سرمقاله شماره ۲۲ علت این منازعه را به چالش کشید و با ذکر نیات خیرخواهانه خود در این زمینه، این منازعه با شاه را نه از روی عناد؛ بلکه در جهت تشبه محمدعلی‌شاه دانست تا از حس منیت و خودخواهی بیرون آمده و با قبول مشروطه و تعهد به مجلس و پارلمان به جای عناد و لجاجت، به آینده و پیشرفت کشور بیندیشد. مساوات با تفهیم این موضوع که انسان به واسطه سه معرفت وجودی: «خودشناسی»، «خداشناسی» و «خلق‌شناسی»، از جماد و نبات و حیوان متمایز می‌شود، به تأثیر این معارف بر وجود انسان و اینکه انسان چگونه و با چه مشقت‌هایی راه رسیدن به کمال و انسانیت را از بدو خلقت طی کرده است، تأکید داشت. مساوات نقش علم و دانش را در این راه مؤثر دانسته و با ارائه گزارشی از سرگذشت فراعنه مصر که پا را از خودخواهی و منیت فراتر گذارده و به خدایی گرایش پیدا کرده بودند، به محمدعلی‌شاه هشدار داد که از این رذایل (خودخواهی)

کناره جوید و به جای شکایت از او، با تمکین به «سلطنت مشروطه ایران» و دور کردن «خائنین نمک به حرام» از امور مملکتی و سلطنت، به سعادت و خوشبختی مردم ایران بنگرد. مساوات در انتها با تکرار رسالت خود در مبارزه با استبداد، نه تنها از تهدیدهای عمال استبداد بیمی به خود راه نمی‌دهد؛ بلکه تا رسیدن ایران به روزهای رونق و پیشرفت و مردم‌سالاری، بر راه و مسیر خود تأکید می‌کند (مساوات، ۲ ربیع‌الثانی ۱۳۲۶ق، شماره ۱۱، ۱-۳).

مساوات همچنین با نصیحت محمدعلی شاه ضمن توجه و عبرت و انداز او از تاریخ و سلاطین سلف، از وی درخواست کرد که از کشاکش با ملت دست برداشته و با آنان با سلوک انسانی رفتار کند (مساوات، ۲۴ ربیع‌الاول ۱۳۲۶ق، شماره ۲۱، ۵).

یاد و عبرت‌پذیری از «انقلاب فرانسه» در مواردی نیز برای تبدیل دو مفهوم متفاوت به کار گرفته می‌شد. در نوشته‌های کهن پارسی، واژه‌های «شورش» و «انقلاب» مترادف بوده و بار معنایی منفی داشتند. در دوره انقلاب مشروطیت روزنامه مساوات بر آن شد که گستره معنایی و رابطه قدرتی را که آن دو کلمه مترادف داشتند، از هم مجزا سازد:

«باید دانست که بین انقلاب و شورش فرق است. انقلاب در اصطلاح مورخین تغییر مهمی است که در طرز حکومت و قوانین یک دولت به عمل می‌آید و این غیر از شورش است که معنی آن عصیان و خروج از اطاعت و قیام‌نمودن بر ضد حکومت مشروع می‌باشد. میان انقلاب و شورش فرقی بزرگ موجود است. چه برخاستن شورش در مملکتی علی‌الغلب ایران مضرت بر منافع امت و مصالح ملت نبوده و اهالی را از سیر در طریق نجات و ترقی باز می‌دارد. برخلاف انقلاب که آنقدر هم ملت را به درد آورد و فشار بدهد، باز در همان حال او را در طریق تقدم خطوه بزرگ جلو می‌اندازد و در سلم نجات و ترقی پله بالا می‌برد و بعضی از نویسندگان مابین این دو کلمه فرق نمی‌گذارند و به انقلاب نام شورش و شورش‌طلبی می‌دهند. مثلاً به جای انقلاب فرانسوی، شورش فرانسوی می‌نویسند و ملتفت مغایرت مورد استعمال این دو کلمه نمی‌باشند. گویند وقتی که خبر

هدم و خراب کردن قلعه «باستیل» و رهانمودن محبوسین را به «لویی شانزدهم» بردند، گفت این شورش^۱ است. آنکه این خبر را آورده بود، گفت ببخشید آقا بلکه این انقلاب^۲ است. مراد پادشاه فرانسه در این مقام این بود که کار شورش طلبان غیرمشروع و مخالف قانون است و حق ندارند از اطاعت حکومت سرپیچند. ولی جواب مخبر منافی گفته «لویی» و مقصودش آن بود که انقلاب غیر از شورش و عصیان است و امری است مشروع. خلاصه چیزی که تولید انقلاب در مملکت می‌کند، عبارت است از استبداد و مقتضای استبداد قهر و تغلب است که هر دو از آثار غضب و حیوانیت می‌باشد» (مساوات، ۲۵ صفر ۱۳۲۷ق، شماره ۳۰، ۴ و ۵).

اهمیت مساوات و توجه او به تاریخ‌نگاری مدرن و بازاندیشی در مفاهیمی چون انقلاب و ملت، در دیگر مطبوعات عصر مشروطه تأثیرگذار بود و آنان را به توجه به دانش تاریخ و تاریخ‌نگاری مدرن سوق می‌داد. به گونه‌ای که گردانندگان آن روزنامه‌ها از نقش حیاتی مفاهیم مدرن و رخدادهای تاریخی چون انقلاب فرانسه و کنشگران برجسته آن در تهییج و تحریک مخالفان استبداد بهره می‌گرفتند (ر.ک: ندای وطن، ۲۴ رجب ۱۳۲۷ق، شماره ۱۷، ص ۲؛ صوراسرافیل، ۳۰ مه ۱۹۰۷م، شماره ۲؛ مراغه‌ای، ۱۳۶۴: ۵۶۱).

۲-۳. آگاهی بخشی تاریخی؛ بازآموزی مفهوم عدالت و ظلم

الگوبرداری حکیمان و مورخان ایرانی در دوره اسلامی از حکمت عملی ایرانیان همراه با کثرت تذکرات اخلاقی در متون تاریخی دیده می‌شود. مهم‌ترین بحث در زمینه اخلاق، عدالت که صفتی از صفات خداوند است در اداره جامعه به حکمرانان توصیه شده است. عدالت سیاسی، قرارداد هر شخص در جای مناسب خود و ایجاد تعادل و توازن میان اجزای سازنده جامعه و همچنین از بین بردن ظلم و ستم و برقراری عدالت اجتماعی، نیز خورداری افراد جامعه از خیرات و برکات است. عدالت مطرح در متون

^۱. Revolte

^۲. Revolution

فلسفی و سیرالملوک ها و تاریخ نگاری ها از نوع عدالت معاوضی بود که پادشاهان به شرط برقراری عدل ازسویی در زمره برگزیدگان خلائق قرار می گیرند و از سوی دیگر، عدل آنان موجب برقراری امنیت و ایجاد رفاه در جامعه می شود که خود عامل بقای حکومت است (ترکمنی آذر، ۱۳۹۶: ۱۳۳).

در نظریه «دایره عدالت»، پادشاهی و دادگری چونان در نظر می آمد که گویا در حلقه ای به هم پیوسته بودند: «پادشاهی حاصل نمی شود الا به لشکر، و لشکر به مال توان جمع کرد، و مال از رعیت حاصل گردد و رعیت را به عدل نگاه توان داشت» (فضل الله همدانی، ۱۳۵۸: ۱۱۳). در این نگرش، افزایش ظلم به رعیت به کاهش مال، سستی لشکر، سرنگونی پادشاهی و چرخش زمان می انجامید. فراز و فرود پادشاهی با دینداری نیز نسبتی مستقیم داشت. خواجه نظام الملک طوسی (۴۰۸-۴۸۵ق/۱۰۱۵-۱۰۹۴م)، پیوستگی پادشاهی و دین را در حدیثی نبوی یافت: «در خبر است که پیغمبر (ص) گفت: العدل عز الدین و قوت السطان و فیه صلاح الخاصه و العامه. یعنی عدل عز دین است و قوت سلطان و صلاح لشکر و رعیت است و ترازوی همه نیکیه است...» (خواجه نظام الملک طوسی، ۱۳۶۴: ۵۶).

مفهوم «عدالت» در پندنامه ها و متون تاریخی تفاوتی بسیار با مفهوم اجتماعی عدالت در گفتمان تجددخواهی داشت. در متون کهن، «عدالت» بیشتر مفهوم «توازن» و حفظ سلسله مراتب اجتماعی داشت. در این مفهوم، رفع تفاوت میان شاه و گدا و رعیت و لشکر نوعی بی عدالتی تلقی می شد که به فروپاشی نظم عالم می انجامید. در این انگاره^۱ سیاسی، دین پروری خود وسیله ای برای حفظ سلطنت و تداوم دولت بود. بدین سان، دینداری و عدالت پروری از اساسی ترین مفاهیم تشریح تغییرات و تحولات تاریخی بود. در وقایع نامه های فارسی، این نظریه های فراتاریخی و نیز نظریه هایی درباره گذشت زمان و دگرگونی ایام در بسیاری از روایت های دوره های انتقال فرمانروایی از دودمانی به دودمان دیگر دیده می شود (توکلی طرقی، ۱۳۹۵: ۱۹).

در متون تاریخی سده ۱۲ق/۱۸م اندک اندک تاریخ پادشاهان با احوال ایران در آمیخت (ر.ک: مروزی، ۱۳۶۴: ۸۸۳/۳-۸۸۴) و اعتماد السلطنه، همچون بسیاری از

^۱. Imagination

مورخان سده ۱۳ق/۱۹م، به نگارش «شرح حال ایران» پرداخت (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۳). در این روایات ایران مدار، که گذشته‌های دور به شکل‌گیری حال و آینده ایران می‌انجامد، نخستین رگه‌های تاریخ‌نگاری مدرن نمایان است؛ با تأکید بر بی‌طرفی، دوری از تملق، کاربرد تحلیل، استفاده از علوم دیگر چون جغرافیا و نجوم و اجتناب از تقدیرگرایی در این مسیر گام برمی‌دارد. میرزا فتحعلی آخوندزاده به صراحت از وابستگی مورخان به دربارها، فقدان درک تاریخی و قرارگرفتن متن تاریخی به عرصه به رخ کشیدن توانایی‌های ادبی نویسندگان انتقاد می‌کند. به‌واسطه همین انتقادات صریح و جدی اوست که برخی محققان او را بنیان‌گذار جریان انتقاد بر سنت تاریخ‌نویسی کهن ایرانی می‌دانند (قدیمی قیداری، ۱۳۹۳: ۲۴۸-۲۵۱). میرزا آقاخان کرمانی با اهمیت جلوه‌دادن تحولات اجتماعی، به‌کارگیری اسناد و یافته‌های باستان‌شناسی، استدلال و تحلیل، روند تحولات تاریخ‌نویسی ایران را گامی به‌جلو پیش برد. چنان‌که بعضی او را بنیان‌گذار فلسفه تاریخ ایران و ویرانگر سنت‌های تاریخ‌نگاری و یکتا مورخ زمان خویش دانسته‌اند (آدمیت، ۱۳۵۷: ۱۶۵). به لحاظ روش و نگرش تاریخی و تأثیرگذاری او بر روند تحول تاریخ‌نگاری ایرانی چنان است که حتی برخی او را به صراحت نخستین مورخ سبک جدید ایران می‌نامند (همان، ۲۸۵).

مساوات در جایگاه یک روزنامه تندرو و با تأثیرپذیری از تاریخ‌نگاری مدرن چنانکه شرح آن رفت، از سیر تاریخی جدال عدل و ظلم تا عصر مشروطه سخن راند و با ذکر شواهد متعدد تاریخی، تثبیت عدالت را به‌مثابه یکی از پایه‌های مهم مشروطه لازم و ضروری می‌دانست.

در مقاله «خیرالامور اوسطها» با اشاره به این موضوع که «آسایش فرزندان آدم و عمارت و آبادانی دنیا منوط به عدل و قانون است»، توجه به اعتدال و میانه‌روی و دوری از افراط و تفریط را در همه امور از جمله ظلم و ستم بایسته و ضروری می‌دانست. مساوات با بهره‌گیری از آیات و روایات قرآنی در کنترل ظلم و ستم و رهنمون کردن خوانندگان خود به تاریخ جهان، از سرنوشت محتوم ظلم و ظالم سخن می‌راند که هر گروه و طایفه‌ای که ظلم را از حد و اندازه آن عبور داد، توسط یک نیروی غیبی که مردم را علیه آن ترغیب کرده و یا سرانجام با لبریز شدن کاسه صبر طبقه

مظلوم افرادی چون کاوه آهنگر با دادخواهی از آنان و در جایگاه رهبر، ظالمانی چون ضحاک را به زیر کشیده و روی دیگری از تاریخ ظلم را نیز انعکاس داده که طبقه مظلوم با تحمل ظلم و جور و عدم مقابله با آن به عمر خود در تاریخ پایان دادند:

«هر کس رجوع به تاریخ دنیا کند، خواهد یافت هر طایفه ظالمی که ظلم را از حد گذرانید، دست غیبی به واسطه تولید یک حالت مضجعه در مظلومین قلوب سکنه زمین را به رقت درآورده و تمام نفوس عالم را متوجه به دفع آن طایفه ظالم ساخته، تا دود از دودمان آنها براندازند و نیز تاریخ نشان می دهد که بسا قوام مظلوم به علت افراط در تحمل ظلم یا پیمانانه صبرشان لبریز شده و از جان گذشته سر به کف چون کاوه آهنگر با یک تهور فوق التصور در مقام دادخواهی برآمده و آثار ضحاکیان را از روی زمین برانداخته اند و یا آن قوم مظلوم به واسطه افراط در کشیدن ظلم و از حد گذرانیدن صبر و بردباری روزگار هستی را بدرود و در قبرستان نیستی مدفون شدند. این است سرگذشت طبیعی قومیت طوایف گذشته» (مساوات، ۲۷ محرم ۱۳۲۶ق، شماره ۱۵، ۳).

مساوات سرانجام با آوردن شواهد عینی از ظلم و ستم های وارده بر مردم مناطق مختلف ایران (کرمان، فارس، کاشان و گیلان) که با تحمل ظلم و مبارزه نکردن با ظالمین عرصه را بر خود تنگ کرده بودند، به رسالت مهم خود در مبارزه با این گروه (ظالمین) اشاره کرد و بر این باور بود که از روزی که مساوات مبارزات قلمی خود را در این راه آغاز کرد: «قفل از زبان های مظلومین برداشته شده و از دور و نزدیک ما را هدف ناله های خود ساخته که از زندگانی سیر نموده و از حال طبیعی خارج نمی دانیم. ...» (همان، همانجا).

مساوات در شماره دیگر به پیشینه تاریخی جدال عدل و ظلم در جهان هستی می پردازد؛ ابتدا بر حسب اصل خلقت «اقتضای طبیعت دنیا» را عدل و مساوات دانست نه ظلم و استبداد و سپس با اشاره به این نکته که هر چند جهان هستی «به واسطه تاریکی جهالت» و از روی اجبار قبول ظلم کرد و سلاطین ظالم و پادشاهان جور قرن ها دایره خونریزی و ستم را در جامعه انسانی رواج دادند و «از فرط شقاوت و خیانت»

انسان را مجبور به اطاعت خود درآوردند. از نظر مساوات این عدل و مساوات نخستین بار در مغرب زمین هویدا شد و به تدریج سراسر اروپا را به جز روسیه و عثمانی دربرگرفت و در ادامه آن را در آمریکا و افریقا گسترانید. مساوات طلوع عدل و مساوات در آسیا را دیرتر از اروپا دانسته و بر این باور بود که تا اواخر قرن نوزدهم، این قاره «پیوسته در دریای سیاه جهالت و ظلم مستغرق بود و در گرداب مهلک استبداد دچار بود» تا اینکه در نیمه دوم قرن نوزدهم در ژاپن نخستین بار «صبح صادق عدل» طلوع کرد و متعاقباً در اوایل قرن بیستم، تأثیرات خود را به کره و منچوری و روسیه و ایران رسانید و ایرانیان را به این نکته واقف کرد که: «امروز دنیای جدید عدل و مساوات را به خود دعوت و جور و اعتساف را از خود دور می‌کند» (مساوات، ۲۴ ربیع‌الاول ۱۳۲۶ق، شماره ۲۱، ۱).

از منظر مساوات سیل حوادث متعدد و فشارهای مضاعف بر انسان‌ها، آنان را به این نتیجه رسانیده بود که در قرن جدید (قرن بیستم) دیگر پذیرش حکومت‌های استبدادی راه به جایی نمی‌برد و «حکم زهر قتال» را دارد. سرانجام مساوات خطاب به ایرانیان خاطر نشان کرد که حالا که مشروطیت در ایران طلوع کرده است اگر در این برهه از عدل و داد استقبال نکنند و آزادی را اجابت نکنند، به سعادت و نیکبختی خود لگد زده و «در مقابل لطمات جابرانه طماعان و سیل پلتیک اجانب نیست و نابود خواهند شد» (همان، ۲).

مساوات در ادامه مقاله ضمن گذر تاریخی به آیین تشیع که فلسفه ظلم‌ستیزی و نپذیرفتن ظلم و ستم را اشاعه می‌دهد، به قرآن کریم استناد کرد که بر اساس آیات آن از فراعنه و پادشاهان به لعنت ابدی یاد می‌کند؛ بنابراین ایرانیان با توجه به این صبغه مذهبی نه بر اطاعت از پادشاه لزومی دیده و نه حدیثی بر لزوم اطاعت و بندگی خویش شنیده و نه از بزرگان دین امضای سلطنت جز سلطان حقیقی مشاهده کردند.

بنابراین و با چنین مقدماتی مساوات در جهت برقراری عدل و مساوات و سرانجام در انتقاد از پادشاه مستبدی چون محمدعلی‌شاه بر این باور است که باید از کسی در جایگاه حاکم و پادشاه اطاعت کرد که بر اساس دین اسلام: «حلال و حرام خدا را بشناسد، در امور جمهور جانب حق را منظور داشته و از لوٹ غضب و کثافات هوای

نفس که خصیصه دشمنان باری و لازمه معاندین و دایع الهی است پاک و منتزه باشد» (همان، همانجا).

۳-۳. فهم تاریخی و روح پایداری

تاریخ اسرارآمیز ایران که یکی از کشورهای با سابقه کهن تمدنی است مورد اعجاب و شگفتی نویسندگان داخلی و خارجی فراوانی قرار گرفته است (ر.ک: گروسه، ۱۳۷۵؛ همچنین ر. ک: فرای، ۱۳۶۳: ۱۷). روزنامه مساوات نیز ضمن توجه به این نقش تاریخی ایران که به مثابه یک ملت مغلوب در طول تاریخ، اقوام غالب را تحت سیطره فرهنگ و تمدن دیرینه خود درآورده و توانسته است آنان را رام و به شاهراه تمدن وارد کند، با ستودن این نقش، متذکر می‌شود که ایران با توانمندی‌های خاص عناصر فرهنگی و تمدنی خود، فرهنگ مقاومت و پایداری را مایه حیات و تداوم خود ساخته است و می‌نویسد:

«هر کس رجوع به تواریخ ملل زنده نماید، خواهد دید که از زمان میلاد هر ملت تا زمان سقوط آن ملت به چه حد دچار مخاطرات هولناک و گرفتار چه لطمات و حوادث وحشتناکی که ایران از بسیاری از آن جان خود را از راه سلامت بدر برده، با آنکه ولادت ایران را با سایر ملل بسی فرق‌های تاریخی است» (مساوات، ۱۰ ربیع‌الاول ۱۳۲۶ق، شماره ۲۰، ص ۱).

مساوات با آگاهی بخشی به دوران قبل از مشروطه که با تحکیم استبداد و جهل و ناامنی همراه بود، پیش‌بینی کرد که مشروطه که بدون انجام تمهیدات و مقدمات علمی و «تهیه اسباب مادی» به ثمر رسیده بود، دچار «خبط‌های فاحش» و «خطاهای خطیر» خواهد شد (همان، همانجا).

توجه به بحث تاریخی لفظ مشروطه که خود مستلزم فهم و درک علمی از آن بود، از دیدگاه مساوات یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر محسوب می‌شد و بر این باور بود که این موضوع خود در انتخاب نمایندگان مجلس شورای ملی و شرکت‌کنندگان در انتخابات تأثیرگذار بوده و بحران‌هایی که در ادامه در کشور حادث شد، از این عدم فهم تاریخی و آگاهی از تاریخ مشروطیت در دیگر کشورها حاصل شده است (همان، همانجا).

۳-۴. روندهای تاریخی؛ چرائی استبداد، راهکارهای مبارزه

یکی از مشکلات دیرپا در تاریخ سرزمین‌های اسلامی، وجود حاکمیت استبدادی بر آن‌ها بوده است. در جامعه استبدادی تمامی مسائل تحت تأثیر علایق و سلیقه‌های یک فرد قرار دارد و شاید بتوان گفت که کمترین آسیب آن، از بین رفتن حقوق فردی است. در این جوامع، مخروط استبداد شکل می‌گیرد؛ به گونه‌ای که حق و حقوق نامحدود هر عنصر و یا عناصر یک رده نسبت به رده‌های پایین‌تر، بدیل خود را در بی‌حقوقی مطلق آن عنصر یا عناصر در پیوند با گروه بالاتر می‌یابد؛ یعنی تلفیقی از بی‌حقوقی و قدرتمندی هم‌زمان، ذهن آدمیان را به تباهی می‌کشاند و تحمل این وضعیت نابه‌هنجار برای اذهان آزاد بسیار مشکل خواهد شد. البته در این دوره کسان دیگری نیز بوده‌اند به مانند میرزا آقاخان کرمانی و دیگران که استبداد مطلقه بی‌قانون را یکی از عوامل اصلی انحطاط و عقب ماندگی می‌شناختند و ریشه و اساس آن را در فرهنگ و اندیشه شخص محور و شخص‌باور می‌جستند (رحمانیان، ۱۳۸۸: ۱۱۰). او نیز به کمک اندیشه تاریخی و با کمک به استناد تاریخی نقش بسزایی در بیداری و هشیاری مردم برعهده داشت (ر.ک: آدمیت، ۱۳۵۷: ۲۶۴).

مساوات با چشم‌اندازی تاریخی به بررسی زمینه‌های شکل‌گیری اجتماعی استبداد در ایران اشاره می‌کند. او ابتدا و با اشاره به ملت‌هایی که به علت «بی‌هوشی» و «مستی» «قرن‌های متمادی در خواب جهل و غفلت» مانده و سرانجام در صدد استرداد حقوق پایمال‌شده خود برآمده بودند، حقیقت و روح ملت را عبارت این موارد می‌داند: «سواد ناس و طبقات فوق» و طبقات کشوری و لشکری از فروعات وجود ملت‌اند. مساوات با انتقاد از افرادی که در ایران آن روز از شمار این طبقات خارج، اما در خرابی و ایجاد بحران برای ایران مؤثر بودند، با ایجاد آگاهی در مردم، از آنان می‌خواهد تا راه نجات خود را از استبداد پیدا کرده و خود این راه را ایجاد پارلمان (مجلس) و انتخاب نمایندگان صالح و شایسته می‌داند (مساوات، ۱۹ صفر ۱۳۲۶ق، شماره ۱۸، ۱-۳).

مساوات که در زمره روشنفکران تفکیک‌گرا [تفکیک دو حوزه عرف و شرع] (جمال‌زاده و دیگران، ۱۴۰۰: ۱۳) بود، با تحقق مشروطه، به حاکمیت قانون به‌مثابه یکی از مهم‌ترین عوامل مبارزه با استبداد و فساد در کشور اشاره می‌کند. در سرمقاله یکی از

شماره‌های خود ابتدا به انواع شکل‌های حکومتی در جهان توجه کرد و آن‌ها را به سه دسته حکومت ملی (جمهوری)، حکومت مستقله (مشروطه) و حکومت مستبده دسته‌بندی می‌کند و به تعریف واحدی از آن‌ها می‌پردازد (مساوات، ۳۰ صفر ۱۳۲۷ق، شماره ۲۵، ۱).

همچنین با اشاره به هرج و مرج‌های قبل از مشروطه در ایران که «اگر کسی تعدی و تجاوز به حدودشان می‌نمود، بحث و حرج چندانی بر وی نبود؛ زیرا استبداد و ظلم هوای زندگانی آنان را طوری مسموم نموده بود که از تمام لذایذ بشری محروم و از جمیع حقوق انسانی بی‌نصیب و بیگانگان حقوق وطنی آن‌ها را می‌ربودند؛ اما به واسطه هیجان‌های ملی و فداکاری‌های وطنی این دو ساله (۱۳۲۶-۱۳۲۴ق) هیچ کس را مجال انکار نماند که ایرانی را نیز در شریعت بشری و قوانین ملل زنده عالم حقوقی است ثابت و حدودی روشن» (همان، همانجا).

مساوات برای بررسی و چرایی این معضل، به بررسی عقاید مختلف و دلایلی چون نبود ثروت، بی‌علمی و جهالت، نفاق و شقاق، تقلب و خیانت اولیاء امور و همراهی نکردن شاه اشاره می‌کند. او بر این عقیده است که صاحبان این گونه عقاید نه اینکه به راه باطل رفته باشند، اما تمام این عقاید از روی ادراکات سطحی و غالب از فروعات یک اصل اساسی دیگری است که ریشه و اساس تمام «موانع و امراض ایران کش» است (همان، ۲).

در آستانه مشروطیت، جامعه ایران وارد مرحله جدیدی از تغییر و تحول در ساختار سیاسی، اجتماعی و فرهنگی شد که با دوران پیش از آن تفاوت بسیاری داشت. نظام آموزشی یکی از عرصه‌هایی است که در این دوره تغییرات چشم‌گیری به خود دید و از شیوه سنتی، به روش‌های نوین تغییر شکل داد. از نگاه روشنفکران غرب‌گرا، تمام مظاهر سنتی و دینی، مانع تکامل و ترقی بوده و می‌بایست کنار زده می‌شدند یا به صورت خصوصی و شخصی در می‌آمدند (مریجی، ۱۳۸۶: ۵۴). روزنامه مساوات ضمن توجه به نقش علم و آگاهی در پیشبرد اهداف مشروطه، به اهمیت علم‌آموزی در مهار استبداد و مبارزه با فساد برآمده در نظام‌های استبدادی تأکید داشت. به نظر مساوات و از دیدگاه فلسفه علوم سیاسی، طبیعت و سرشت استبداد با عوامل تعیین‌کننده در

سرنوشت و پیشرفت انسان چون «علم، مجد و شرافت، اخلاق و مال و ثروت» ضدیت دارد. مساوات در مقاله‌ای با عنوان «استبداد و جهل» ضمن انعکاس فساد قاجارها در امور اداری چون پرداخت مواجب بی‌حد و حصر به گماشتگان خود، به خطر استبداد در اشاعه فساد در جامعه و معضلات ناشی از حکومت استبدادی قاجارها به ویژه از دوران ناصری به بعد در جامعه ایران اشاره کرد که علاوه بر گسترش فساد، روح آزادی‌خواهی را نیز از ملت ایران سلب کرده و آنان را به افرادی بله قربان‌گو تبدیل کرده بود (مساوات، ۱۳ محرم ۱۳۲۶ق، شماره ۱۳، ۴).

۴. نتیجه‌گیری

محمد رضا مساوات شیرازی یکی از مبارزان علیه استبداد محمد علی شاه بود که با انتشار روزنامه مساوات، تا حدودی توانست بر تحولات سیاسی زمانه خود (مجلس اول شورای ملی) و بعد از آن اثرگذاری داشته باشد. او با روزنامه مساوات از یک‌سو با نظام استبدادی محمد علی شاه و از سوی دیگر با دیگر کسانی که در خدمت منافع سلطنت بودند و به توسعه ملی و زندگی مردمان این سرزمین نمی‌اندیشیدند، مبارزه می‌کرد؛ این رویکرد او در روزنامه مساوات به‌طور شفاف پیگیری می‌شد و در همین ارتباط بهره‌گیری از دانش تاریخ و توجه به کارکردهای مؤثر آن، آگاهی‌بخشی مؤثر و فراگیر تاریخ و بازاندیشی در مفاهیم سیاسی عصر مدرن، چون انقلاب، شورش، مساوات، ملت و... از جمله ابزار مهم او در این مسیر بود. مقاله‌نویسان روزنامه مساوات، در مقالات متعدد با ذکر سرگذشت سلاطین، حاکمان و رخدادهای مهم تاریخی ایران و جهان آن روز، محمد علی شاه را به بازگشت به حاکمیت مشروطه مبتنی بر قانون تهییج و ترغیب می‌کردند؛ در واقع، محمد رضا مساوات و روزنامه او را می‌توان یکی از پیشروان و سرسلسله‌چنان استفاده از دانش تاریخ و آگاهی‌بخشی مؤثر آن در مبارزه با استبداد نامید. مساوات، در جدال بین دو سنت مشروطه‌خواهی و مشروطه‌خواهی و در شرایط آن روز که مشروطه‌خواهان به دنبال تأسیس یا تطبیق نظام پارلمانی با زمینه اسلامی-ایرانی و مشروطه‌خواهان به دنبال قانون‌گذاری بر مبنای شرع و عدم استفاده از اصول غربی در مهار استبداد بودند، با نگرشی متفاوت به برقراری و تثبیت نظام سیاسی مطلوب کشور می‌اندیشید؛ از این رو، برخلاف نگرش گروه‌های مذکور، اندیشه سیاسی حاکم بر

نوشته های روزنامه مساوات رویکردی متفاوت را دربرمی گرفت که اساس آن بر نوعی داوری و نگرش سیاسی و تاریخی متمایز قرار داشت. ارائه جدال تاریخی از عدل و ظلم، با بهره گیری از داستان های تاریخی و آیات قرآنی و نداشتن افراط در ظلم و پذیرش آن از سوی مظلوم، توجه به گذشته تاریخی ایران و متفاوت بودن جغرافیا و تاریخ آن از سایر ملت ها و سرانجام توجه و اهتمام به نقش تاریخی علم و دانش در مبارزه با استبداد، از دیگر موارد توجه به بهره گیری از دانش تاریخ توسط گردانندگان روزنامه مساوات بود. فرجام سخن آنکه محتوای روزنامه مساوات نشان می دهد که این روزنامه با ارائه الگوی متفاوت مبارزه با استبداد که مبتنی بر نگرش تاریخی و بازنمایشی در مفاهیم سیاسی بود، نه تنها در طرح نظریه تحولات اجتماعی - سیاسی در مبارزه با استبداد و تحریک و تهییج مردم در فرایند براندازی حکومت قاجار نقش داشت، بلکه با نقشی که به مثابه روزنامه مدنی در آن عصر ایفاء کرد، نقش مهمی در سقوط محمدعلی شاه و بازگشت مجدد مشروطه برعهده گرفت.

فهرست منابع

- آدمیت، فریدون (۱۳۵۷)، *اندیشه های میرزا آقاخان کرمانی*، تهران: پیام.
- اعتمادالسلطنه، محمد حسن (۱۳۶۷)، *مرآت البلدان*، به کوشش عبدالحسین نوایی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- بهار، ملک الشعراء (۱۳۵۷)، *تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران*، ج ۱ (انقراض قاجاریه)، چاپ سوم، تهران: شرکت سهامی کتابهای جیبی.
- پروین، ناصرالدین (۱۳۷۷)، *تاریخ روزنامه نگاری ایرانیان و دیگر پارسی نویسان*، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ترکمنی آذر، پروین (۱۳۹۶)، «عدالت و بازتاب آن در تاریخ نوشته های مورخان ایرانی (قرن سوم تف اششم هجری)»، *جستارهای تاریخی*، دوره ۸، شماره ۱ خرداد.
- تفرشی حسینی، سید احمد (۱۳۵۱)، *روزنامه اخبار مشروطیت و انقلاب ایران*، به کوشش ایرج افشار، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- توکلی طرقی، محمد (۱۳۹۵)، *تجدد بومی و بازنمایشی تاریخی*، ویراسته محمد توکلی طرقی و همایون کاتوزیان، تورنتو.

- جمال‌زاده، ناصر؛ ندافان، مسعود و بیگی، علی رضا، «بازخوانی تصویر ذهنی علما و روشنفکران عصر مشروطه از قانون»، پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال یازدهم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۰.
- جنکینز، کیت (۱۳۸۶)، *بازاندیشی تاریخ*، ترجمه حسینعلی نوذری، تهران: نشر آگه.
- رابینو، ه.ل (۱۳۸۰)، *روزنامه‌های ایران از آغاز تا سال ۱۳۲۹ ه.ق.*، ترجمه و تدوین جعفر خمami زاده، چاپ دوم، تهران: انتشارات اطلاعات.
- رحمانیان، داریوش، *سید جمال و تاریخ*، نامه انجمن، ش ۲۴، زمستان ۱۳۸۵.
- رحمانیان، داریوش، «جامعه ایرانی در گذرگاه مشروطه: گفت‌وگو با داریوش رحمانیان»، *زمانه*، ش ۵۹، ۱۳۸۶.
- رحمانیان، داریوش (۱۳۸۸)، *تاریخ تفکر سیاسی در دوره قاجار*، تهران: دانشگاه پیام نور.
- رسول اف، رامین؛ راسخ، کرامت الله و بیابان نورد (۱۴۰۱)، «تحلیل محتوای روزنامه صوراسرافیل به منظور مطالعه نقش سیاسی - اجتماعی آن در فرایند نوسازی و تحولات دوره مشروطیت»، *مطالعات راهبردی اطلاعات*، آذر ۱۴۰۱، شماره ۳، صص ۲۷-۴۰.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۷۵)، *تاریخ در ترازو*، چاپ چهارم، تهران: امیرکبیر.
- شجری قاسم خلیلی، رضا (۱۳۹۲)، «واکاوی نقش تاریخ (آگاهی تاریخی) در بازسازی هویت ایرانی»، *مجله پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام*، شماره ۱۲، بهار و تابستان.
- شیبانی (وحیدالملک)، عبدالحسین (۱۳۷۸)، *خاطرات مهاجرت*، به کوشش ایرج افشار و کاوه بیات، تهران: شیراز.
- صفایی، ابراهیم (۱۳۶۳)، *رهبران مشروطه؛ مشتمل بر ۲۴ بیوگرافی و شرح جالب و شگفت‌انگیز کلیه حوادث و وقایع نهضت مشروطه ایران*، تهران: انتشارات جاویدان.
- طوسی، خواجه نظام الملک (۱۳۶۴)، *سیاست نامه (سیرالملوک)*، به کوشش جعفر شعار، چاپ سوم، تهران: سپهر.
- عاقلی، باقر (۱۳۸۰)، *شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران*، ج ۳، تهران: نشر گفتار.
- فرای، ریچارد (۱۳۶۳)، *عصر زرین فرهنگ ایران*، ترجمه مسعود رجب نیا، چاپ دوم، تهران: سروش.
- فضل الله همدانی، رشیدالدین (۱۳۵۸)، *سوانح الافکار رشیدی*، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، تهران: انتشارات کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد.

آگاهی بخشی تاریخی یکی از روش های روزنامه مساوات | ۲۵

- قدیمی قیداری، عباس (۱۳۹۳)، *تداوم و تحول تاریخ نویسی در ایران عصر قاجار*، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.
- کرمانی، ناظم الاسلام (۱۳۷۶)، *تاریخ بیداری ایرانیان*، ج ۱، چاپ پنجم، تهران: نشر پیکان.
- کسروی، احمد (۱۳۶۳)، *تاریخ مشروطه ایران*، ج ۲، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- کهن، گوئل (۱۳۶۰)، *تاریخ سانسور در مطبوعات ایران*، ج ۱ (از ۱۲۵۳ تا صدور فرمان مشروطیت)، تهران: مؤسسه انتشارات آگاه.
- گروسه، رنه (۱۳۷۵)، *چهره آسیا*، ترجمه غلامعلی سیار، تهران: فرزانه.
- محمدی، رضا و قدیمی قیداری، عباس (۱۳۹۷)، «تحلیل محتوایی روزنامه حشرات الارض»، *نشریه زبان و ادب فارسی دانشگاه تبریز*، سال ۱۷، شماره ۲۳۷، بهار و تابستان.
- محیط طباطبایی، محمد (۱۳۷۵)، *تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران*، تهران: انتشارات بعثت.
- مراغه‌ای، زین العابدین (۱۳۶۴)، *سیاحتنامه ابراهیم بیگ (متن کامل ۳ جلدی)*، به کوشش م.ع. سپانلو، تهران: نشر اسفار.
- مروزی، محمد کاظم (۱۳۶۴)، *عالم آرای نادری*، به کوشش محمد امین ریاحی، ج ۳، تهران: زوآر.
- مریجی، شمس الله (۱۳۸۶)، «بازشناسی جریان های روشن فکری در ایران»، *فصلنامه علوم سیاسی*، شماره ۳۷.
- معینی رودبالی، رضا و کشاورز بیضاوی، محمد (۱۳۹۸)، «تأملی بر فعالیت های محمدرضا مساوات در مشروطه و بازتاب قرارداد ۱۹۰۷ در روزنامه مساوات»، *مطالعات تاریخی*، شماره ۶۷.
- معینی رودبالی، رضا (۱۴۰۱)، «انقلاب مشروطه و فسادستیزی روزنامه مساوات»، *پژوهش نامه تمدن ایرانی*، سال چهارم، شماره هشتم، پاییز و زمستان.
- ملک زاده، مهدی (۱۳۶۳)، *تاریخ مشروطه ایران*، ج ۲، تهران: علمی.
- هرولد پلام، جان (۱۳۸۶)، *مرگ گلشسته*، ترجمه عباس امانت، تهران: نشر اختران.

روزنامه

- روزنامه مساوات، «سوز درونی را موقع اظهار رسید»، یکشنبه ۱۹ صفر ۱۳۲۶/ق ۲۲ مارس ۱۹۰۸م، شماره ۱۸.

- روزنامه مساوات، «خیرالامور اوسطها»، یکشنبه ۲۷ محرم ۱۳۲۶ق/۱مارس ۱۹۰۸م، شماره ۱۵.

- روزنامه مساوات، «بادکوبه»، یکشنبه ۲۷ محرم ۱۳۲۶ق/۱مارس ۱۹۰۸م، شماره ۱۵.
- روزنامه مساوات، «خیال ایجاد آدم می کند به چه معناست؟»، ۱۲ صفر ۱۳۲۶ق/۱۵ مارس ۱۹۰۸م، شماره ۱۷.

- روزنامه مساوات، «خیانت کار هر وقت باشد، به مجازات خود خواهد رسید»، ۱۰ ربیع الاول ۱۳۲۶ق/۱۲ آوریل ۱۹۰۸م، سال اول، شماره ۲۰.

- روزنامه مساوات، «شاه در چه حال است»، ۲۴ ربیع الاول ۱۳۲۶ق/۲۶ آوریل ۱۹۰۸م، شماره ۲۱.

- روزنامه مساوات، «استبداد و جهل»، ۱۳ محرم ۱۳۲۶ق/۱۶ فوریه ۱۹۰۸م، شماره ۱۳.
- روزنامه مساوات، «شاه با مساوات در جدال و نزاع است: چرا؟»، ۲ ربیع الثانی ۱۳۲۶ق/۲۶ آوریل ۱۹۰۸م، شماره ۱۱.

- روزنامه مساوات، «شرف به تازگی در ایران ورد زبان عارف و عامی شده؛ چرا؟»، ۲۷ محرم ۱۳۲۶ق/۱ مارس ۱۹۰۸م شماره ۱۵.

- روزنامه مساوات، «استبداد در نظر اسلام»، ۳۰ صفر ۱۳۲۷ق/۱۸ مارس ۱۹۰۹م، شماره ۳۰.
- روزنامه ندای وطن، «نامه متظلمانه یکی از خوانین»، ۲۴ رجب ۱۳۲۷ق/۳۰ مه ۱۹۰۷م، شماره ۱۷.

- روزنامه صوراسرافیل، «دو کلمه خیانت»، ۳۰ مه ۱۹۰۷م، سال ۱، شماره ۱.

Transliteration

- Adamiyat, Fereydun (1978) *Thoughts of Mirza Agha Khan Kermani*. Tehran, Payām.
- Aqeli, Baqer (2001) *Biography of Contemporary Iranian Political and Military Men*, Vol. 3, Tehran, Goftār Publishing.
- Bahār, Malek ul-Šo‘arā (1978) *Brief History of Political Parties of Iran*, Vol. 1 (The Extinction of the Qajar Dynasty), Third Edition, Tehran, Pocket Books Joint Stock Company.
- E‘temād ul-Salṭaneh, Moḥammad Hassan (1988) *Mīr’āt ul-Boldān*, edited by Abdolhossein Navaei, Tehran, Tehran University Press.
- Fazlullāh Hamadānī, Rašīd ul-Dīn (1979) *Savāneh ul-Afkār-e Rašīdī*, edited by Mohammad Taghi Danesh Pajouh, Tehran, Central Library and Documentation Center Publications.
- Fry, Richard (1984) *the golden age of Persia*, translated by Masoud Rajabnia, second edition, Tehran, Sorouš.
- Ghorbani, Hossein Ali (2022) *A Study of Social Thoughts in the Religious Press of the Constitutional and Pahlavi I Era*, *Research in History*, Year 12, Issue 32, Spring and Summer.
- Grousset, Rene (1995) *La face de l'Asie*, translated by Gholam Ali Sayyar, Tehran, Farzān.
- Herold Plam, John (2007) *The Death of Past*, translated by Abbas Amanat, Tehran, Akhtarān Publishing House.
- jamalzadeh N, nadafan M, beigi A (2011) "Rereading the mental image of the scholars and intellectuals of the constitutional era of the law", *Political Researches of the Islamic World*, 11th Year, Issue 3, Fall.
- Jenkins, Keith (2007) *Re-thinking history*, translated by Hossein Ali Nozari, Tehran, Āgah Publishing.
- Kasravi, Ahmad (1984) *History of the Constitutional revolution of Iran*, Vol. 2, Tehran, Amīr Kabīr Publications.
- Kermānī, Nāẓem ul-Eslam (1997) *History of the Iranian Awakening*, Vol. 1, 5th edition, Tehran, Paykān Publications.
- Kohan, Goel (1981) *History of Censorship in the Iranian Press*, Vol. 1, Tehran, Āgah Publications Institute.
- Malekzadeh, Mahdi (1984) *Constitutional History of Iran*, Vol. 2, Tehran, Scientific.
- Marāḡe, Zeīn ul-‘Ābedīn (1985) *Sīyāhat-nāmeḡ-ye Ebrāhīm Beīḡ* (complete text in 3 volumes), edited by M. A. Sepanlu, Tehran, Asfār Publishing House.
- Mariji, Shamsollah (2007) "Recognizing intellectual trends in Iran", *Journal of Political Science*, No. 37.
- Marvazī, Moḥammad Kāẓem (1985) *‘Ālam Ārā-ye Nāderī*, edited by Mohammad Amin Riahi, Vol. 3, Tehran, Zovvār.
- Mohammadi, Reza and Ghadimi Qeidari, Abbas (2008) "Content Analysis of the Newspaper of Insects of the Earth", *Persian Language and Literature Journal of Tabriz University*, Year 17, No. 237.
- Mohit Tabatabaei, Mohammad (1995) *Analytical History of the Iranian Press*, Tehran, Be‘tat Publications.
- Moini Rudbali, Reza (1972), "Constitutional revolution and anti-corruption of Mosavat newspaper", *Journal of Iranian Civilization Research*, Year 4, No. 8.

- Moini Rudbali, Reza and Keshavarz Beyzaie, Mohammad (2019) "A consideration of the activities of Mohammad Reza Mossavat during the constitution and the representation of 1907 Anglo-Russian Convention in Mossavat Newspaper", *Historical Studies*, No. 67.
- Parvin, Naser Al-Din (1998) *History of Iranian Journalism and Other Persian Writers*, Tehran, University Press.
- Qadimi Qeidari, Abbas (2014) *Continuity and Development of Historiography in Iran during the Qajar Era*, Tehran, Islamic History Research Institute.
- Rahmanian, Dariush (2006), *Seyyed Jamal and History*, *Nameh Anjanum*, No. 24, Winter.
- Rahmanian, Dariush (2007), *Iranian Society at the Constitutional Passage: A Conversation with Dariush Rahmanian*, *Zamāneh*, No. 59.
- Rahmanian, Dariush (2009) *History of Political Thought in the Qajar Period*, Tehran, Payam Noor University.
- Rasoulof, Ramin, Rasekh, Karamatollah and Biabannavard (2023) "The socio-political role of the newspaper Suresafil in the modernization process and in the developments of the constitutional period", *strategic communication studies*, Volume 2, Issue 3 - Serial Number 5, pp. 27-40
- Shajari Ghasem Khalili, Reza (2013) "INVESTIGATION OF THE ROLE OF HISTORICAL CONSCIOUSNESS IN THE REVIVAL OF IRANIAN IDENTITY (DURING THE FIRST TWO CENTURIES AH) ", *Journal of Historical Researches of Iran and Islam*, No. 12.
- Sheibani (Vahid-ol-Molk), Abdol-Hossein (1999) *Memories of Immigration*, edited by Iraj Afshar and Kaveh Bayat, Tehran, Šīrāzeh.
- Tafreshi Hosseini, Seyyed Ahmad (1972) *News of the Constitutional and Revolutionary of Iran Newspaper*, edited by Iraj Afshar, Tehran, Amīr Kabīr Press.
- Tavakoli Taraqi, Mohammad (2016) *Native Modernity and Rethinking History*, edited by Mohammad Tavakoli Taraqi and Homayoun Katouzian, Toronto.
- Torkamani Azar, Parvin (1977) "Associate Professor of History, Institute of Humanities and Cultural Studies, Tehran ", *Historical Essays*, Volume 8, Issue 1, June.
- Ṭūsī, kājeh Neẓām ul-Molk (1985) *Sīyāsāt-nāmeḥ (Sīar ul-Molūk)*, edited by Jafar Shoar, third edition, Tehran, Sepehr.
- Zarrinkoob, Abdol-Hossein (1996) *Tārīk dar Tarāzū*, Fourth Edition, Tehran, Amīr Kabīr.

Newspapers

- Rooznāmeḥ-e Mosavāt , "The Sūz Darūnī rā Mūqe'e Ezhār Resīd", Sunday, 19 Safar 1326 AH/22 March 1908 AD, No. 18, pp. 3-1
- Rooznāmeḥ-e Mosavāt, "Estebdād va jahl" Q1, No. 13, 13 Muharram 1326 AH/16 February 1908 AD, p. 4.
- Rooznāmeḥ-e Mosavāt, " Šāh bā Mosavāt dar jedāl va Necā' Ast: Why?" 2 Rabi' al-Thani 1326 AH/26 April 1908 AD, Issue 11, pp. 3-1.
- Rooznāmeḥ-e Mosavāt, " Šāh Dar Che Ḥal Ast", 24 Rabi' al-Awwal 1326 AH/26 April 1908 AD, pp. 4-1.
- Rooznāmeḥ-e Mosavāt, "Bādkoūbeh", Sunday, 27 Muharram 1326 AH/1 March 1908 AD, No. 15, pp. 5-4.

- Rooznāmeḥ-e Mosavāt, "Estebdād dar Nazar-e Islam", 30 Safar 1327 AH/ 18 March 1909 AD, No. 30, pp. 5-4
- Rooznāmeḥ-e Mosavāt, "ḵāīr ul-Amoūr al-Awsatīhā", Sunday, 27 Muharram 1326 AH/1 March 1908 AD, No. 15, pp. 4-3.
- Rooznāmeḥ-e Mosavāt, "ḵīyāl Ejād-e Ādam Mīkonad be che Ma'nāst?" 12 Safar 1326 AH/15 March 1908 AD, No. 17, p. 1.
- Rooznāmeḥ-e Mosavāt, "ḵīyānat Kar-e Har Vaqt Bāšad, Be Moǰāzāt-e ḵūd ḵāhad Resīd", 10 Rabi' al-Awwal 1326 AH/12 April 1908 AD, Year 1, Issue 20, pp. 2-1).
- Rooznāmeḥ-e Mosavāt, "Šaraf be Tāzegī dar Iran Verde Zabān-e 'Āref o 'Āmī Šodeh Ast. Chera? " 27 Muharram 1326 AH/ 1 March 1908 AD No. 15, p. 2).
- Rooznāmeḥ-e Mosavāt, "Šobh-e Sa'ādat-e Vaṭan rā Šām-e Noḥūsat Resīd", Rabi' al-Thani 1326 AH/ 31 May 1908 AD, No. 25, pp. 1-5.
- Rooznāmeḥ-e Nedā-ye Vaṭan, "Nāme-ye Motezalemāne-ye yekī Az ḵavānīn", 24 Rajab 1327 AH/ 30 May 1907 AD, No. 17, p. 2.
- Rooznāmeḥ-e Šūr Esrāfīl, "Dū Kalame-ye ḵīyānat", 30 May 1907 AD, Year 1, Vol. 1, p. 2.
- Safaei, Ebrahim (1984) Constitutional Leaders, including 24 biographies and interesting and surprising descriptions of all the events and incidents of the Constitutional Movement of Iran. Tehran, ĵāvīdān Publications.

Raising Historical Awareness, One of the Methods of Musavat Newspaper in Dealing with Tyranny

Extended Abstract

Introduction: The constitutional revolution and raising awareness in Iranian society focused attention on the knowledge of history to raise awareness. Contrary to the common practice of Iranian historiography, which was mostly in the service of political power and political power and wrote political events and armies, the new historians wrote for "the people" and wanted the awakening and awareness of the Iranian nation. And in this revolution, with the support of history and an identity that was built from the merging of historical texts and events, the field of journalism with newspapers such as Mosavat, managed by Mohammad Reza Mosavat Shirazi, who was a staunch opponent of tyranny and colonialism, inspired by The knowledge of history and modern historiography, by quoting and analyzing the historical stories of Iran and the world, emphasized the full realization of the constitution and the fight against tyranny. Therefore, in this research, the issue, type and view of the newspaper is equivalent to the knowledge of history and judgment of this newspaper in this field. The article is trying to find the answer to the question, how did the Mosavat newspaper use the knowledge of history in the fight against tyranny, and what was the position and role of historical awareness in this way? Or how the Mosavat between the knowledge of history and the principles derived from it has established a relationship in the establishment of the rule of law, human empowerment and national progress? In response, it can be said that by relying on modern historiography and its functional role as an important source of awareness, rethinking concepts such as, equality, justice, security, rebellion, revolution, nation, etc., in a kind of judgment It has different political and historical views on constitutionalism based on the development of man and his capabilities, and in this context, he had an influence on other fighters of his time in the late Qajar period and early Pahlavi period. Several

independent researches have been written about the Mosavat newspaper and the issues affected by it, but these researches have pointed to various dimensions of the approach of constitutional newspapers with regard to its content and have not entered into the positions of the Mosavat newspaper on the subject of this article. Therefore, for the first time, the authors of the article have reflected the positions of this newspaper regarding the knowledge of history and its role and function in the attention and importance of historical awareness in the fight against tyranny and colonialism.

Methodology: The aim of this research is to clarify the type of view of the Mosavat newspaper, which is manifested in the form of its perception of the knowledge of history. Therefore, it raises the point that the political thought of Mosavat refers to a missing point in that period, which is focused on a new kind of judgment, which is based on historical awareness and with the aim of rethinking political concepts and terms in stimulating people to participate. It is in the process of overthrowing the Qajar rule and removing tyranny in the history of this land. This article based on the contents and articles of "Mosavat Newspaper" and other sources, tries to explain the historical discourse governing this newspaper in one of the most sensitive periods of Iran's history (constitutional era) in dealing with tyranny, using the method of content analysis.

Findings of the article: The findings indicate that this newspaper, by presenting historical anecdotes from the history of Iran and the world and detailed analysis, focuses on the use of historical knowledge and awareness as one of the inevitable requirements for the realization of constitutionalism in order not to return to tyranny and Colonization was emphasized and in this way, it assumed a great mission.

Discussion and conclusion: learning lessons from history by taking lessons from the important personalities and events of Iran and the world of that day, paying attention to the historical conflict of justice and injustice and the victory of justice, the historical role of Iran in overcoming crises and finally using science and Knowledge, as an important step in the fight against the spread of tyranny and colonialism, was one of the focal issues of Mosavat in establishing the

constitution and curbing tyranny. In the end, the content of the Mosavat newspaper shows that this newspaper, by presenting a different model of fighting against tyranny, which was based on a historical perspective and rethinking political concepts, not only on the theory of socio-political developments in the fight against tyranny and inciting and arousing the people in The process of overthrowing the Qajar government played a role, but with the role it played as a civil newspaper in that era, it played an important role in the fall of Muhammad Ali Shah and the return of the constitution.

Keywords: constitutional revolution, tyranny, historical awareness, knowledge of history, Mosavat newspaper.

